

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگزلو
۰۹ مارچ ۲۰۲۵



داکتر محمد قراگزلو

شکار دل-غک* در دفتر بیضی!

در مورد اسکاندال ترمپ – زلنسکی

الف. ارزیابی امتناعی.

دقیقاً ۳ سال و ۴ روز پس از آغاز عملیات تدافعی نازی زدائی فدراسیون روسیه علیه دولت فاشیست محبوب ناتو در اوکراین جلسه ای علنی در دفتر بیضی کاخ سفید برگزار شد. طرف اصلی این جلسه رئیس جمهور جدید امریکا دونالد ترمپ و معاون اول (ونس) و وزیر خارجه (روبیو) او بودند که حسب ظاهر از رئیس تاریخ مصرف گذشته دولت متحد خود یعنی زلنسکی پذیرائی می کردند. پذیرائی به شیوه ویژه خودشان. این داستان ظاهراً فقط یک پرده داشت که مثل برق بالا رفت و مانند بمب پائین افتاد. و تمام. پنداری ما شاهد مسابقه بوکس یک سنگین وزن تنومند حرفه ئی با حریفی پشه وزن و ناشی بودیم. با همان نخستین آپرکات طرف نحیف بازی به بیرون دفتر پرتاب شد و خلاص. همه تماشاچیان تماشای این مسابقه زنده^۱ تلویزیونی چشم های خود را چند بار مالیدند تا مبدا آنچه دیده اند توهمی بیش نبوده باشد. و بعد "تحلیلگران" رسانه وارد میدان شدند تا به مردم ناآگاه از جنس نگارنده حالی کنند که این درجه از خشونت کلامی و رفتار خصمانه و غیر دیپلوماتیک ترمپ از کجا آمده است؟ طبق معمول نخستین و دم دستی ترین پاسخ ها برای اقتناع ما "ساده لوحان" و "زودباوران" معطوف به چند کشف کشف کشک سبابان رسانه اصلی بود. "ترمپ فردی

دمدمی مزاج است." "ترمپ فردی پیش بینی ناپذیر است." "ترمپ لومپن است." از آنجا که زلنسکی رنگین پوست نبود و زن هم نبود دو صفتی که "تحلیلگران" محترم برای افزایش غلظت سخنان گهربار خود به کار می بندند به کار نیامد. راسیست و سکسیست! شاید اگر به جای زلنسکی خانم یولیا تیموشنکو (نخست وزیر اسبق اوکراین) با آن موهای زنجیری بافته شده دور سر خود و چهره جذاب در مقابل تیم ترمپ نشسته بود این صفت "سکسیست" به "تحلیلگران" محترم ما کمک بیشتری در غنای سخنان خود می کرد. متعاقب پخش برنامه جدال در دفتر بیضی از شبکه CNN کریستین امانپور در حالی که وانمود می کرد از ضربه آپرکات ترمپ-ونس گیج شده است با حالتی شگفت زده گفت "در طول عمر طولانی خبرنگاری ام هرگز چنین صحنه ای ندیده بودم." سفیر اوکراین (اکسانا مارکارووا) در شرایطی که چشمانش را می مالید و دست بر پیشانی گذاشته بود گیجی خود را با این سخنان مطرح کرد "آیا چنین اتفاقی برآستی در حال وقوع است؟" در امریکا داستان کمیک تجزیه و تحلیل برخورد چکشی صبح روز ۲۸ فبروری ۲۰۲۵ از سوی "دیپلومات" های حرفه ئی نیز مورد مذاقه عمیق واقع شد. اولین واکنش خنده دار از سوی دونالد تاسک نخست وزیر پولند (شریک نفوذاشیست های اوکراین) صورت گرفت که به زلنسکی می گفت "تو تنها نیستی!" پدر و سانچز و سپس مکرون و بعد جوزف بورل و کایا کالاس و اولاف شولتس و کی بر استارمر درست مانند یک گروه گر که غوغای غوکان را به صدا در می آورد تصنیف مبتذل "تنها نبودن اوکراین" را بلغور کردند. پنداری از سال ۲۰۱۴ و کودتای میدان و کمک ۵ میلیارد دلاری ویکتوریا نولند حتی برای یک لحظه دولت باندریستی کی یف بدون حمایت ناتو نفس کشیده است. در همین راستا دیپلومات وطنی جناب دکتر علی اکبر ولایتی با سابقه ۱۶ سال وزارت امور خارجه و سال ها مشاور بین الملل رهبر جمهوری اسلامی نیز وارد گود شد تا به ما بفهماند که بله قبلاً "اقدامات ترمپ در یمن نابخردانه" بوده است و اصولاً وی فردی "بی تعادل" است. ایشان (یعنی دکتر ولایتی) افزود که "ترمپ انسانی غیر عادی و بی فکر است." البته نامبرده توضیح نداد که چرا اتاق فکرها و ستراتیژیست ها و نخبگان بورژوازی امریکا عنان کشور (منظورم سرمایه های شان است) خود را از میان آنهمه سیاستمدار حرفه ئی به یک فرد "بی فکر" - چیزی معادل "شعبان بی مخ" در زبان سلیس فارسی- سپرده اند. آنهم یک دولت اتومی که رئیسش فرمانده کل قواء نیز است و می تواند دستور تهاجم اتمی بدهد. روی دیگر و البته عمیقاً سیاسی و پخته اما پرخاشگرانه تحلیل دیپلومات ها توثیت ساده مدودوف (معاون رئیس شورای امنیت روسیه) بود:

« دولت دونالد ترمپ، رئیس جمهور امریکا دیگر نمی خواهد به موش نازی در کی یف غذا بدهد.»

ریانوستی به نقل از توثیت مدودوف نوشت:

«این سگ پر از گک در کی یف از سوی اروپای ضعیف شده و فرسوده انتخاب شد که به او "سگ من" لقب دادند. این

سگ انگلی دیوانه و خطرناک است. بهتر است بی سر و صدا کنار گذاشته شود. بدون هیچ رنج و دردی.»

درواقع مدودوف به صریح ترین شکل ممکن موضع کرملین را بیان می کرد. اما از "اتهام" های مسلسل وار "بی

پرنسیپی" از سوی فعالان داخل و خارج و چپ و راست که بگذریم "برادران اصلاح طلب" و لیبرال در نقش داور

ظاهر شدند و دست زلنسکی را به عنوان برنده جدل و جدال دفتر بیضی بالا بردند. یکی از ایشان سردبیر روزنامه

"جمهوری اسلامی" بود که به نیابت از پزشکیان و ظریف و همه خاطرخواهان امریکا نوشت:

«برخورد زلنسکی با ترمپ نشان داد می توان با شیطان مذاکره کرد و بر او پیروز شد.»

عجب! تا پیش از این سرمقاله جمهوری اسلامی شیفته اروپا من فکر می کردم این ترمپ بوده است که زلنسکی را

"ناک اوت" کرده است. حالا معلوم شده "نه+خیر" ما "الاحقران" در اشتباه بوده ایم! رسانه های حزب اتحاد ملت -

همان مشارکت سابق- همزبان با CNN و Politico و Bloomberg و BILD و مشابه رفتار ترمپ را "لحظه ای

شرم آور از خیانت امریکا" و "رسوائی" و فاجعه دیپلماتیک" و "توهین و تحقیر مهمان خارجی" و غیره خواندند. در تقابل با اصلاح طلبان طرفدار مذاکره، اصولگرایان سرگردان، از رفتار "غیر مدنی" مرد موبور بل گرفتند تا ثابت کنند "دیدید گفتیم امریکا و ترمپ شریک قابل اعتمادی نیستند و نباید با آنان مذاکره کرد." این تحلیل عجیب بیش از آن که مؤید ماهیت امپریالیستی امریکا باشد از آب گره می گرفت تا رقیب اصلاح طلب خود را به گوشه رینگ براند. نتیجه این تعرض روی دو مشق تمرین شده با قلم خوشنویسی خط بطلان کشید. یک: پایان فی الحال فصل مذاکره علنی. دو: سوختن کارت ظریف که کبریت آن را محسنی اژه ئی روشن کرد. اصولگرایان اساساً نمی دانند که روابط بین الملل نه بر اساس اعتماد و اخلاق بلکه بر مبنای منافع اقتصادی و سیاسی شکل می بندد. نکته نماند دوست عزیز فلسفه دانی هم اعتراف کرد "دیگر لازم نیست به استدلال های پیچیده رو آوریم برای اثبات وجود و تداوم امپریالیسم. داریم به صورت "لایو" می بینیم." البته برنامه "لایو" امپریالیست بودت امریکا را همه ما دست کم طی دو دهه گذشته به شکلی بسیار واضح تر در افغانستان و عراق و لیبیا و سوریه و همین حالا - با دستان ارتش مستقر در پاسگاه او (اسرائیل) - به وحشیانه ترین شکل ممکن مشاهده می کنیم و آپرکات ترمپ به چانه پرحرف زلنسکی چیز زیادی به این ماهیت خبیث اضافه نمی کند. مضاف به این که برای اثبات نقش امپریالیستی امریکا در اوکراین بسندگی به جدل دفتر بیضی بشدت تقلیل گرایانه است. شما که انسان منطقی و فیلسوفی هستید لطف کنید و یک بار دیگر به وقایع تبهکارانه اوکراین متعاقب کودتای ۲۰۱۴ نظری ببندازید. به راکت های جاولین و تانک های آبرامز و بردلی و لئوپارد و افسران غربی دستگیر شده در نبرد و به ویژه آنان که مانند موش از تونل های ماریوپول بیرون کشیده شدند؛ بنگرید. یک مشاجره تلویزیونی هر اندازه که آمیخته با توهین باشد نمی تواند به تنهایی مؤید ماهیت امپریالیستی امریکا باشد. کارنامه امریکا و ناتو سیاه تر از این حرف ها است.

اجازه دهید فارغ از این هیاهوهای پُر از هیچ ببینیم "غوغا بر سر چیست؟" خواهم کوشید کوتاه بگویم و بگذرم.

ب. سابقه جدال ترمپ - زلنسکی!

ترمپ که در وعده های انتخاباتی اخیر خود به صراحت و بارها گفته بود "اگر من رئیس جمهور بودم [به جای بایدن] اصلاً جنگی اتفاق نمی افتاد" با مژده آتش بس و صلح فوری میان روسیه - اوکراین وارد کاخ سفید شد. البته او به لحاظ خصلت های فردی اهل گذشت و مدارا نیست و به همین سبب نیز دست اندازهایی که در انتخابات ۲۰۲۰ از سوی زلنسکی برای او پیش آمد در خاطرش ثبت شده بود. علاوه بر پاندمی کرونا - و "کندی عمدی شرکت های داروسازی در تهیه واکسین" - از نظر ترمپ یکی از دلایل شکست او از جو بایدن در ماجرای مشهور به "مذاکرات اوکراین" یا "اسکندال اوکراین" نهفته بود. در واقع همین اسکندال بود که به تهدیدی جدی برای استیضاح ترمپ در سال ۲۰۱۹ تبدیل شد. درست در آستانه انتخابات ریاست جمهوری "گاف" زلنسکی باعث ریزش آرای ترمپ شده بود. او اما این موضوع را فراتر از گاف می دانست. به باور ترمپ ریشه مسأله از همدستی باندهای قدرت در اوکراین و حزب دموکرات آب می خورد. همان ها که بعد از پیروزی ترمپ بر هیلری کلینتن لو رفتن ایمیل های هیلری را به روس ها نسبت دادند و ترمپ را "نوکر پوتین" خواندند. به هر شکل در سال مورد نظر وضع اوکراین وخیم بود. دولت نئوفاشیستی در مناطق شرقی با مردم و سازمان هایی که برای انتزاع از دولت مرکزی و دفاع از منافع خود در معادن و صنایع و حفظ سنت های تاریخی و فرهنگی روس تبارشان مبارزه می کردند در جنگ بود. روس ها در یک اقدام حساب شده جزیره کریمه را به خاک خود ملحق کرده بودند و اگرچه با احتیاط و محافظه کاری اما به هر حال از مبارزان استان های لوگانسک و دونتسک و خرسون و اودسا و زاپروژیا حمایت می کردند. این حمایت حداقلی مطلقاً

قابل قیاس با پشتیبانی ناتو از جریان های باندریستی و آزوفی حاکم بر دولت اوکراین نبود. سردمدار کمک مالی عربان به فاشیست های کودتاجی کی یف ویکتوریا نولاند با هدیه ناقابل ۵ میلیارد دلاری بود. این پول برای سازماندهی باندهای تبهکار نئونازیستی هزینه شد. علاوه بر اینها دولت ترمپ نیز - چنان که خود در جدل اخیر با زلنسکی می گوید - راکت های پیشرفته جاولین و سایر ادوات نظامی و لجستیکی کارآمد جنگی را در اختیار اوکراین گذاشته بود. از آنجا که ترمپ هیچ دعائی را فقط برای یک "آمین" خشک و خالی انجام نمی دهد در تاریخ ۲۵ جون ۲۰۱۹ طی تماسی نیم ساعت با زلنسکی مطالبه ای را به میان کشید که به همان اسکاندال مشهور تبدیل شد. ترمپ و همکارانش از کثافتکاری های هانتر بایدن (پسر رقیب شان) در اوکراین مطلع بودند. آنان می دانستند که هانتر بایدن علاوه بر فعالیت آشکار در تجارت پورن و تأسیس آزمایشگاه های میکروبیولوژیک و عضویت در هیأت مدیره یک شرکت فاسد گاز در ماجرای ترانزیت مواد مخدر و مصرف شدید کوکائین نیز مشارکت فعال دارد. یک لابیالی محض که معاون اوپاما با اطلاع از عملکرد فرزند نه فقط سعی در پوشش آن می کرد بلکه به انکار آن نیز برخاسته بود. ترمپ در صحبت با زلنسکی تداوم کمک های نظامی را منوط به انجام تحقیقات فوری در این موارد کرده بود. به محض افشای صحبت های محرمانه ترمپ - زلنسکی توپخانه دموکرات ها به رهبری خانم نانسی پلوسی روشن شد. در دسمبر همان سال مجلس نمایندگان حکم استیضاح رئیس جمهوری را صادر کرد. دلیل صدور حکم سوءاستفاده ترمپ از موقعیت رئیس جمهوری علیه رقیب انتخاباتی عنوان شده بود. در نهایت به اعتبار آرای اکثریت سناتورهای جمهوری خواه ترمپ از استیضاح قسر در رفت. اما... اما ترمپ افشای این صحبت محرمانه را به گردن زلنسکی انداخت. ما از چپستی پشت پرده این ماجرا بی خبر هستیم و همین قدر می دانیم که در طول تاریخ امریکا و ناتو هیچ دولتی به اندازه بایدن - هریس- بلینکن در جنگ علیه یک دولت رقیب - در اینجا فدراسیون روسیه- فعالیت مستقیم و بسیار پر هزینه نداشته است. بایدن - هریس حتا در آخرین هفته تحویل قدرت به ترمپ بیشترین کمک مالی تسلیحاتی را به دولت باندریستی اوکراین کردند و اجازه دادند نازی ها ازسکوهای داخلی سرزمین روسیه را هدف بگیرند. پیشروی ۱۱ اگست ۲۰۲۴ و اشغال مناطقی در نواحی مرزی کورسک به اعتبار همین کمک های سخاوتمندانه انجام شد.

پ. توپ پُر ترمپ.

من در ابتدای این بحث تأکید کردم که خم شدن روی ویژگی های شخصیتی ترمپ برای تعلیل ماهیت تصمیم سازی های او راه به جایی نخواهد برد. بر درستی این مؤلفه اصرار دارم. با اینهمه مایلیم به این نکته نیز خم شوم که ترمپ فردی است که نمی خواهد در هیچ رقابتی بازنده باشد. دستور تلویحی به هواداران برای حمله ۶ جنوری ۲۰۲۱ بعد از شکست در انتخابات ۲۰۲۰ از بایدن فکت این مدعا تواند بود. او می خواهد همه جا پادشاه و نفر اول معرفی شود. این تمایل به ویژه جلوی دوربین های تلویزیونی حاد می شود و شدت می گیرد. او مصر است که از سوی رؤسای دولت ها و دیپلمات ها و هر که با وی ملاقات می کند شدیداً ستایش شود. نه فقط از مورد نقد قرار گرفتن متنفّر است بلکه سخت مایل است که پیش از هر صحبتی طرف مقابل از او تشکر کند. در واقع زمانی که ونس در میانه جدل به زلنسکی یاد آور شد که "تو تا کنون [از ما] تشکر کرده ای؟" روی همین موضوع می کوبید. همچنین ترمپ به هیچ وجه علاقه ای ندارد که مورد امر و نهی قرار بگیرد و چه باید و نبایدها به او دیکته شود. به ویژه در برابر دوربین های تلویزیونی و رسانه ها.

نخستین اشتباه مرگبار زلنسکی این بود که وارد پلمیک در مورد لباس خود شد. خیلی از گرگ هائی که سمت چپ ترمپ و پشت ونس- روبیو ایستاده بودند از دلیل کت و شلوار نپوشیدن مرد اوکراینی مطلع بودند. با این حال برای خنده

و سرکار گذاشتن او به لباس طرف گیر دادند. زلنسکی اگر کمی فقط کمی هوشمند و حاضر جواب بود براحتی می توانست بگوید "به همان دلالتی که احمد الشرع محبوب شما تا پیش از سقوط اسد لباس رزمی پوشیده بود من نیز کت و شلوار نپوشیده ام!" و تمام. اما او ابلهانه وارد تله "بگذارید کمی با شومن حال کنیم و بخندیم" اطرافیان ترمپ شد. گاف بعدی زلنسکی زمانی صورت گرفت که ونس کلید دعوا را چرخاند و گفت:

« چهار سال ایالات متحد رئیس جمهوری داشت که در کنفرانس های خبری با صدای بلند درباره ولادیمیر پوتین صحبت می کرد. ما مسیر جو بایدن را امتحان کردیم، ادعای قدرت نمائی و وانمود کردن به این که سخنان رئیس جمهور امریکا مهم تر از اقدامات او است.»

زلنسکی این جا بی گذار به آب زد و به زبان انگلیسی – اشتباه محرز او – جواب داد. اگر او به زبان اوکراینی وارد بحث می شد هم مجال فکر کردن و پاسخ مناسب برای خود می یافت و هم سرعت حاضر جوابی و تعرض حریف را می گرفت. از این بدتر زلنسکی فکر کرد معاون رئیس جمهوری امریکا بچه محل شان است و او را به نام کوچک خواند:

« پوتین از سال ۲۰۱۴ بخش هائی از اوکراین را اشغال کرده است و دقیقاً از چه نوع دیپلماسی صحبت می کنی جی. دی؟»

ونس که از این صحبت "خودمونی" نوچه گوش به فرمان شان آنها در دفتر بیضی و در برابر دوربین ها خوشش نیامده بود ظاهراً خونسردانه اما با تحکم پاسخ داد:

« من درباره دیپلماسی صحبت می کنم. به ویرانی کشورتان پایان دهید... این که به دفتر بیضی بیائید و بکوشید مسأله را در برابر رسانه های امریکائی مطرح کنید بی احترامی است.»

زلنسکی که با حماقت کامل، خود را به تله ترمپ-ونس انداخته بود به شکل ناشیانه ای به آهنگ جدل سرعت داد: « تا به حال به اوکراین آمده اید..... شما اقیانوس زیبائی دارید و فعلاً مشکلات ما را احساس نمی کنید. اما در آینده احساس خواهید کرد.»

اینجا بود که فتیله انفجاری ترمپ روش شد. بنگ:

« به ما نگو چه چیزی را احساس خواهیم کرد. تو در موقعیتی نیستی که به ما دیکته کنی چه چیزی را احساس کنیم... تو تا کنون با کارت ما بازی کرده ای... بدون کارت ما تو هیچی نیستی.....»

پس از این تحکم ترمپ حرف تو حرف آمد و مرد موبور اجازه نداد رئیس تاریخ منقضی کی یف ادامه دهد و ضمن تقلید تمسخر آمیز مکرر جمله او که "من آتش بس نمی خواهم... من آتش بس نمی خواهم" به صراحت گفت:

« تو حرف هایت را زده ای. حالا گوش کن... شما در موقعیت خوبی قرار ندارید. خودتان را در موقعیت بسیار بدی قرار داده اید. شما با جنگ جهانی سوم قمار می کنید....»

در حین این صحبت ها بود که ترمپ کف دستی هم به شان چپ زلنسکی کوبید. و تمام.

ت. تبیین چستی جدل.

برای رعایت اقتصاد کلام بحث را فشرده می کنم و بسیاری از نکات اصلی مرتبط با موضوع را درز می گیرم و به مجال دیگر می سپارم.

۱. ترمپ با اشراف کامل بر اوضاع جبهه های نبرد فدراسیون روسیه و شکست امریکا و ناتو در حمایت پُر هزینه مالی نظامی از دولت سابق اوکراین، زلنسکی را به دفتر بیضی راه داده بود. نمایندگان او و پوتین در سطح وزیر

خارجه بیشتر دو بار دیدار داشتند و از قرار به توافقاتی رسیده بودند. وعده انتخاباتی آتش بس و صلح او هنوز روی میز است. و از اینها مهم تر همان تأکید مکرر او بر "موقعیت بسیار بد" اوکراین در تقابل با روسیه بود. ترمپ می داند: ۱.۱. اوکراین شانس برای پیروزی حداقلی ندارد. حمایت بیشتر از زلنسکی به شیوه بایدن چیزی جز هدر دادن منابع مالی و نظامی و تحقیر امریکا نیست.

۱.۲. ترمپ همچنین می داند که با اوکراین و کمک المان و فرانسه و انگلستان، روسیه را نمی توان شکست داد.

۱.۳. او واقف است که عضویت اوکراین در پیمان ناتو سودی برای امریکا ندارد.

۱.۴. او می داند که ادامه چنین وضعی و تمرکز روی اوکراین دولت امریکا را از رقابت با دشمن اصلی اش یعنی چین دور خواهد کرد.

۱.۵. فرق ترمپ با بایدن در مورد اوکراین و هر جنگ و صلح دیگری این است که ترمپ منافع دولت امریکا را در اولویت خود قرار می دهد و اروپا و ناتو و سازمان های محیط زیستی و ملل متحد برایش پیشیزی ارزش ندارد. اما بایدن به شرکایش در اروپا و حتا منافع جاپان و کوریای جنوبی نیز پایبند است.

۲. به اعتبار استدلال های پیش گفته است که ترمپ صورت حساب ۵۰۰ یا ۳۵۰ میلیاردی جنگ را برای زلنسکی می فرستد. در مقابل از او می خواهد که "منابع و معادنت را رد کن بیاد." گیرم که مشاوران ترمپ بیشتر درباره تأمین فلزات نایاب مورد نیاز صنایع امریکا از روسیه قول مساعد گرفته اند.

۳. اقتصاد ایالات متحد در ۵۹ صنعت ستراتیژیک از ۶۴ صنعت از اقتصاد چین عقب مانده است. از سال ۱۹۸۱ با نئولیبرالیزاسیون اقتصاد امریکا و به اعتبار نیروی ارزان کار چین، اقتصاد امریکا "ماده زدائی" Dematerialized یا "صنعت زدائی" Deindustrialized شده است. انرژی ارزان روسیه به این امر دامن زده است. نبرد اوکراین و گران شدن بهای انرژی و افزایش دستمزد کارگران در جریان اصلاحات رئیس جمهور شی موجب تورم در اروپا شده است. تلاش دولت های اوپاما و دولت اول ترمپ و بایدن برای بازگشت صنایع از چین به امریکا شکست خورده است. تعرفه ها نیز خم به ابروی اقتصاد چین نیاورده است. تا آنجا که اگر امریکا روی تولید مجازی و سود سهام نتفلیکس و گوگل و ایکس و آمازون و مشابه حساب نکند اقتصادش به رتبه دوم سقوط خواهد کرد. علاوه بر اینها امریکا با وجود کمک های مالی دولتی به بانک ها هنوز نتوانسته است بر عوارض بحران ۲۰۰۸ فائق آید. به این ترتیب تداوم سیاست "شرط بندی روی اسب بازنده اوکراین" به زیان امریکا خواهد بود. ترمپ و مشاورانش بهتر از هر اتاق فکر دیگری می دانند که از جنگ اوکراین نه فقط چیزی به ایشان خواهد ماسید بلکه حتا اقتصاد میلپتاریستی کینزی نیز به کمک شان نخواهد آمد. یک ضرب المثل انگلیسی می گوید:

Long Live the Snake that Doesn't Bite Me!

شاید بهترین معادل فارسی آن چنین باشد:

دیگی که برای من نجوشد/ سر سگ توش بجوشد!

این منطق ترمپ است. اینک در میدان نبرد دانسته آمده است که دیگ نبرد در اوکراین برای امریکا نخواهد جوشید. این که اروپا با اصرار بر حمایت از کی یف به سوی یک خودپرانگری مهلک پس می رود و پشتیبانی مهم ترین متحد خود را نیز از دست می دهد برای ترمپ ده شاهی نیز ارزش ندارد. شعار:

Make America Great Again

و ارزیابی امکان دست اندازی به گرینلند و پاناما تا الحاق کانادا و مکزیکو همان سیاست امپریالیستی نابی است که دولت ترمپ دنبال می کند. مردی که می خواهد روی خانه های ویران و جسد های متلاشی مردم غزه هتل بسازد و ویرانی اوکراین و لتونی و استونی یا مشابه آنها چه فرقی برایش می کند؟

۴. صحنه نبرد اوکراین به گردابی هولناک و عمیق برای نابودی تمام تجهیزات پیشرفته نظامی امریکا و اروپا تبدیل شده است. این جنگ شاید برای نازی های سبز المانی و لیبرال های شبه نازی فرانسه (مکرون) و محافظه کاران زهوار در رفته و لیبرال های قراضه انگلیس (از بوریس جانسون تا استارمر) حیثیتی باشد اما برای امریکای ترمپ چنین نیست. یک ستراتیژیست روس (آپوکوف) بعد از پیروزی ترمپ درباره یکی از شعارهای ستراتیژیک او یعنی اولویت دشمنان امریکا به ترتیب "چین و روسیه و ایران" نوشته بود "اتفاقاً این ستراتیژی ترمپ به نفع ما تمام خواهد شد. چرا که روسیه در صدر جدول دشمنان امریکای ترمپ نیست. مضاف به این که دشمنی با چین و ایران دو دولت فوق را به روسیه نزدیکتر خواهد ساخت." (نقل به مضمون)

این تمام واقعیت است. مشاوران نظامی امنیتی سابق و امروز ترمپ از سرهنگ مک گرگور و اسکات ریتر تا سرهنگ تولسی گابارد و تاگر کارلسون به او فهمانده اند که نبرد فدراسیون روسیه علیه اوکراین کم و بیش رو به اتمام است. برنده قطعی این نبرد نیز از همان ابتداء روسیه بود. به این ترتیب دلیلی ندارد که امریکا روی اسبی که بازی را باخته و دست و پایش شکسته است پول بیشتری خرج کند. بعد از عملیات ۱۱ سپتمبر تمرکز اصلی امریکا روی حمله به عراق و حذف صدام حسین متمرکز شده بود. صرفاً حضور بن لادن و القاعده در افغانستان این سرزمین را در اولویت یورش امپریالیستی قرار داد. گو این که مراکز امنیتی امریکا بهتر از هر کس دیگری می دانستند که نه بن لادن- الظواهری و طالبان افغانستان بلکه خالد شیخ محمد و طالبان پاکستان با حمایت شهروندان عربستان طراحان و عاملان اصلی ۱۱ سپتمبر بودند. با این حال فارغ التحصیلان مکتب شیکاگو بشدت علاقه مند بودند که حتا پیش از طالبان و القاعده و افغانستان به عراق حمله کنند و دخل صدام حسین را بیاورند. در آستانه تجاوز جنایتکارانه به عراق دونالد رامسفلد طی یک کنفرانس مطبوعاتی در خصوص عراق و بمب های کیمیائی و تسلیحات هسته ای اش گفته بود: «در دولت ها و کشورهای تروریستی پدیده های شناخته شده ای وجود دارند. آنها چیزهایی هستند که ما می دانیم. ما همچنین می دانیم که چیزهای زیادی را نمی دانیم. و کماکان نمی دانیم که چیزهایی را اصلاً نمی دانیم و مهم تر از همه این است که ما نمی دانیم که نمی دانیم!!»

از همین دوران بود که سیاست رسمی امریکا و ناتو زیر پرچم "جنگ علیه تروریسم" شروع شد و در همه جا شکست خورد. دولت دوم ترمپ اما این سیاست را - که در حلقه معیوب و باطل "جنگ بی پایان" - گیر کرده بود به سیاست "جنگ رقابت های اقتصادی" بر محور تحدید چین متمرکز کرده است. درست خلاف دوران نیکسون- کیسینجر/ مائو- چوئن لای.

باری سخن دراز شد/ وین زخم دردناک را خونابه باز شد.... تجربه تقابل با ناتو در اوکراین و شکست امریکا و اروپا در این نبرد بار دیگر درستی این ضرب المثل روسی را برای مسکو ثابت کرد که "اگر ناخنت را به دشمن بدهی، کتف و سپس سرت را هم طلب خواهد کرد." روس ها شاخ ناتو را در اوکراین شکستند و بخش قابل توجهی از سرزمین سابق شان را به خاک خود الحاق کردند. این که صدراعظم المان یا رئیس جمهور فرانسه و نخست وزیر پا در هوای انگلستان چه می گویند برای روسیه حرف مفتی بیش نیست. هر یک از این دولت ها باید کلاه خود را محکم بچسبند تا باد نبرد. صف بندی های جدید جهانی در راه است. هنوز ناتو فرونپاشیده است که اردوغان از پیوستن به اتحادیه اروپا منصرف شده و درخواست عضویت در بریکس داده. اما.... اما

مهم ترین پرسش برای سوسیالیست ها در این نظام جدید جهانی این است که پیشروی جنبش کارگری در میان چین دشواری های عظیمی چگونه و از کدام مسیر می تواند شکل بگیرد؟
۱۷ اسفند-حوت- ۱۴۰۳ / ۷ مارچ

پی نوشت ها

- *نام دلچک به صورت دل-غک به معنای "کوتوله نازکننده" است. دل ل: ناز کردن. غک: شخص کوتاه قد و مضحک.
۱. خلاف تصور عمومی مشاجره ترمپ-ونس/ زلنسکی به شکل ضبط شده از CNN به نمایش درآمد. در اصطلاح تلویزیونی به این نوع پخش Tape Turn گفته می شود.
 ۲. در مورد اولویت های دولت ترمپ بنگرید به این میزگرد:
<https://www.youtube.com/watch?v=ruvf4j7KpKo>
- متأسفانه به دلیل زمان کوتاه برنامه، من موفق نشدم حتماً گوشه ای از مباحث مرتبط با دولت دوم ترمپ را مطرح کنم.